

ملاحظات پیرامون مقوله‌های جمعیتی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی*

مقدمه و نایره گفتگو

مترجم: عزیز گیاوند

بر اساس سیاست توسعه اقتصادی، امور مربوط به جمعیت به دو دلیل متضاد اهمیت می‌یابد: در حالی که جهت بهره‌برداری و توسعه منابع طبیعی و اقتصادی عامل مهمی است، جمعیت خیلی زیاد و برخی‌ها زیاد رشد جمعیت، مانع مذکور را زیر فشار می‌گذارد. این امر درباره کشورهای در حال توسعه بیشتر صادق است. چه سطح عمومی توسعه، و از آن رهگذر سطح استفاده و بهره‌گیری از نیروهای مولد، سنا پایین است. در نتیجه، قسمتهای بیشتری از جمعیت عاطل می‌ماند و محتاج وسایل ضروری زندگی عمومی است. این کشورها، که به طور نسبی در جمعیت بیشتری دارند، برای پاسخگویی فوری به احتیاجات اساسی مردم خود، بر فشار عظیمی قرار دارند. به علاوه هرگز باید آنگاه که در چند سال گذشته جهان را فراگرفته است این وضع را مدت بخشنده است. در نتیجه، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، اجرای برنامه‌هایی که رشد جمعیت را کاهش دهد، بر دستور کار سیاستهای توسعه اجتماعی - اقتصادی قرار دارد. هر چند به سبب ساخت جمعیت این کشورها، که مشخصه‌های آن عبارتند از میزان بالای نرخ خام زاد و ولد¹ و میزان بالای شرح شاخص باروری و میزان امید به زندگی پایین در بد و تولد، میزان بالای مرگ و میر نوزادان، و میزان بالای باروری، که همه آنها عامل ایجاد یک جمعیت جوان هستند، کوششهایی را که در این جهت به عمل می‌آید، تا حد امکان سازمان، دچار وقفه و مانع می‌کند. این کشورها هر روز خود را مجبور می‌بینند که هر چه بیشتر بر موارد مربوط به رفع نیازهای اساسی همت گمارند. کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی از این نظر مستثنی نیستند، چه اکثریت قابل توجهی از آنها همان نوع ساختارهای جمعیتی را نشان می‌دهند و بنابراین با همان مسائل هم روبرو هستند. این مقاله بر آن سر است که جنبه‌های اساسی جمعیت را در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی مطالعه کند تا برخی از خصیصه‌های عمومی آن را مشخص سازد. چند شاخص اساسی که عموماً² برای تشریح و توصیف جمعیت به کار می‌رود، مورد استفاده قرار خواهد گرفت تا تصویر خلاصه‌ای از اوضاع کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به دست آید.

* "Observations on Population Issues in the OIC Countries." Cooperation. Vol. VO/L No.21 (Jan, 1985), 5-10.

1. crude birth rate
2. crude death rate

شاخصهای اساسی جمعیت که در اینجا مورد مطالعه قرار می‌گیرد عبارتند از: کل جمعیت و تراکم آن، رشد جمعیت، امید به زندگی و مرگ و میر نوزادان، توزیع سنی جمعیت و ضریب تکفل، جمعیت شهری، توأم با آینده‌بینی بعضی از این متغیرها. بعضی از شاخصهای دیگر مانند سطح تعلیم و تربیت و میزان با سوادان، توزیع جنس زن و مرد، مهاجرت، جنبه‌های تندرستی و غیره اصولاً حذف شده‌اند، هرچند بعضاً "مشاهدات مختصری در این موارد به عمل خواهد آمد، چه با وجود اینکه این شاخصهای اخیر غالباً در مطالعات جمعیت منظور می‌گردند، هدف این مقاله شناخت پاره‌ای از گرایشهای کلی و عمومی در چارچوب یک کار اولیه است، تا یک تجزیه و تحلیل تفصیلی و دقیق.

هرچند این مقاله بر مبنای اطلاعات جدولهای مفصلی که در بخش دیگر همین شماره گزیده آمده است امتنی می‌باشد (جدولهای برگزیده)، به جز دو جدول مختصر که برای خلاصه کردن پاره‌ای از اطلاعات تنظیم شده است، خواننده را مستقیماً به اطلاعات جدول‌بندی شده و ویژه‌ای رجوع نمی‌دهد. همان طور که در جدولهای یادشده دیده می‌شود، بیش از ۲۵ شاخص درباره ۴۴ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی، بیشتر تا سال ۱۹۸۵، در چارچوب این مجموعه اطلاعات به کار رفته است، و دسترسی به حدود $\frac{1}{8}$ اطلاعات میسر نشد. اگر آینده‌بینی‌های مربوط به سال ۲۰۵۰ و برخی اطلاعات فرعی درباره مقایسه امید به زندگی مردان و زنان را کنار بگذاریم، خواهیم دید که در مورد ۱۵ شاخص باقی‌مانده، اطلاعات مورد احتیاج به دست نیامده ناچیز است. در مورد اکثر این ۱۵ شاخص، تنها اطلاعات یک یا دو کشور موجود نیست. از این روی به جرأت می‌توان گفت که مجموعه اطلاعات مورد استفاده به منظور استخراج نتایج کلی درباره گروه مورد نظر کاملاً کافی است.

کل جمعیت و تراکم

در سال ۱۹۸۵، کل جمعیت ۴۴ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی کمی بیش از ۶۴۰ میلیون نفر بود. با احتساب رشد متوسط سالانه $\frac{2}{5}$ درصد برای این مجموعه، رقم جمعیت در سال ۱۹۸۲، ۶۷۵ میلیون نفر برآورد می‌شود. تخمین آینده این جمعیت در سال ۲۰۵۰ به حدود $\frac{1}{2}$ میلیارد می‌رسد. در این آینده‌بینی تخمین نرخ رشد متوسط پایین‌تری به کار رفته است تا اثرات درازمدت عوامل معینی که رشد جمعیت را مهار خواهد کرده حساب آمده باشد. بنابه حدسیات صندوق جمعیت سازمان ملل متحد، آخرین اعضای کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۲۱۵۵ به رشد جمعیت صفر خواهند رسید. کل جمعیت ۴۴ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی تا آن زمان از مرز $\frac{3}{5}$ میلیارد نفر خواهد گذشت، یعنی نسبت به امروز بیش از ۵ برابر خواهد شد.

در اینجا بد نیست که به منظور ایجاد زمینه‌ای برای این بخش بخصوص، کمی به مفهوم "جمعیت ثابت" ^۲ بپردازیم، هرچند که نظرها درباره این امر متفاوت است و مبانی نظری آن باید به نحو جامعتری ایجاد شود. بر این امر اتفاق نظر وجود دارد که یک جامعه، در مرحله معینی از توسعه و تاریخ خود به

۱. نگاه کنید به صفحه‌های ۲۹-۵۳

مجموعه‌ای از شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مالی "جمعیتی (= دموگرافیک) خواهد رسید که نرخ رشد جمعیت صفر، مشخصه دائمی آن جامعه خواهد شد. یعنی اینکه متغیرهای مربوط، دیگر جامعه را از این حالت خارج نخواهد کرد. به این مفهوم، معنای جمعیت ثابت بیشتر از صرفاً "برابری نرخ خام زاد و ولد (نرخز) با نرخ خام مرگ و میر (نرخم) است، که شرط لازم است اما کافی نیست. یعنی، چنین برابری یا نزدیک به برابری باید برابری برابری کلیدی جمعیتی (= دموگرافیک) معینی مبتنی باشد که در مرحله معینی از تاریخ تحولات جمعیتی آن جامعه شکل گرفته و آن را در سطح ثابتی نگهداشته است. توقع همه آن است که سرانجام تمام جوامع به چنین وضعیتی برسند یا به آن نزدیک شوند. مشاهدات اخیر که چنین جهتی را در کشورهای صنعتی نشان می‌دهد نمونه‌های اولیه چنین روندی به شمار می‌روند. اگر چنین باشد، برنامه‌هایی که برای پایین آوردن میزان باروری، نرخ خام زاد و ولد و / یا پایین آوردن نرخ رشد جمعیت به تحقق این هدف کمک خواهند کرد. بدیهی است که اجرای موفق چنین برنامه‌هایی با افزایش سطح توسعه اجتماعی-اقتصادی کشور مورد نظر تسهیل می‌گردد و در نتیجه پیش‌بینی می‌شود که کشورهای صنعتی بیش از بایان قرن آینده به سطح جمعیت ثابت برسند. دلیل اینکه دست کم نیم قرن طول خواهد کشید تا کشورهای در حال توسعه عموماً و کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی خصوصاً "به مرحله" ثبات جمعیت برسند آن است که ترکیب سنی گروه اخیر چنین اقتضا می‌کند.

اگر ۳۳ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی را که اطلاعات مربوط سال تثبیت جمعیت آنها را در اختیار داریم بر مبنای میانه^۱ ۲۱۲۵ به دو گروه تقسیم کنیم (جدول ۲۱۵۵ است)، خواهیم دید آنها را که پیش‌بینی می‌شود زودتر به مرحله تثبیت سطح جمعیت برسند، به طور متوسط رشد جمعیت سالانه شان از گروه دوم بالاتر است. به بیان دیگر، بنا به آینده‌بینی‌ها بعضی از کشورها که اکنون رشد سازه جمعیت کمتری دارند خیلی دیرتر از برخی کشورهای که رشد بالاتری دارند، به مرحله تثبیت جمعیت خواهند رسید. این واقعیت گنج‌کننده ناشی از ترکیب سنی جمعیت این کشورهاست. از دو گروه کشورهایی که هم اکنون نام بردیم، ۱۵ کشور گروه اول (بیشتر از ۲۱۲۵) فقط ۹ کشور وجود دارد که درصد گروه سنی ۵-۱۴ سال آنها از متوسط (۲۴۲) کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی بالاتر است، و حال آنکه ۱۵ کشور از ۱۸ کشور گروه دوم (بیشتر از ۲۱۲۵) دارای این مشخصه هستند.

به طور کلی جمعیت‌های جوانتر، نتیجه بالا بودن میزان نرخ خام زاد و ولد و در عین حال نرخ خام مرگ و میر است، که به نوبه خود با امید زندگی پایین رابطه نزدیکی دارد. در واقع، تمام ۱۵ کشوری که جمعیت آنها جوانتر بود، سطح امید به زندگی آنها نیز از متوسط سطح امید به زندگی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی پایین تر بود. آنها بالاترین نرخ خام زاد و ولد و نرخ خام مرگ و میر را نیز داشتند. از این روی، آشکار است که میزان پایین رشد کنونی جمعیت کافی نیست تا در آینده نیز رشد جمعیت پایین بماند چه برسد به اینکه صفر گردد.

اکنون یعنی در اوایل دهه ۱۹۸۰ کل جمعیت ۴۴ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی تقریباً ۶۷۵

←

1. median

میلیون نفر است، طبق ارقام سال ۱۹۸۵، جمعیت کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی از ۱۴۸ میلیون در مورد اندونزی تا کمی کمتر از ۲۰۰ هزار در مورد برونشی در تغییر است. ۱۲ کشور از کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی هر یک بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت دارند. ۱۱ کشور با جمعیت هر یک بین ۵ و ۱۰ میلیون هستند و ۱۱ کشور هم هستند که جمعیت هر یک از آنها زیر یک میلیون نفر است. آنچه بیشتر به چشم می‌خورد آن است که تنها سه کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی تقریباً "نیمی از جمعیت تمام کشورها را دارند. از طرف دیگر، فقط ۱٪ کل جمعیت در ۱۲ کشور کم جمعیت این سازمان به سر می‌برند.

از سوی دیگر، متوسط تراکم جمعیت این ۴۴ کشور بیش از دو برابر متوسط تراکم جهانی است و این قرینهای است نمایانگر ابعاد مسئله جمعیت، هر چند که این متوسط چیزی جز یک رقم نیست. تراکم جمعیت در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی، برحسب نفر در کیلومتر مربع، بین حداکثر ۶۱۲ نفر در بنگلادش و حداقل کمی بیش از ۱ نفر در موریتانی در تغییر است. این رقم در ۶ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی بیش از ۱۰۰ نفر در ۱۱ کشور بین ۴۰ تا ۱۰۰ نفر در ۱۳ کشور بین ۱۰ تا ۴۰ نفر و در ۱۳ کشور باقیمانده زیر ۱۰ نفر است.

اگر مجموع جمعیت و تراکم را با هم در نظر بگیریم، خواهیم دید که: تراکم جمعیت در کشورهایی که زیر یک میلیون نفر جمعیت دارند نوسان عظیمی دارد: از ۲ نفر تا ۵۰۰ نفر در کیلومتر مربع. از طرف دیگر، سه گروه باقیمانده، که در بالا به صورت بالای ۱۰ میلیون، ۵ تا ۱۰ میلیون طبقه بندی شده‌اند، الگوی جالبی را به نمایش می‌گذارند: در گروه بالای ۱۰ میلیون، تراکمهای جمعیت اکثراً "در گروه تراکم بالاست (۴۰ تا ۱۰۰ نفر)، در گروه ۵ تا ۱۰ میلیونی تراکم در گروه نسبتاً بالاست (۱۰ تا ۴۰ نفر در کیلومتر مربع)، و در گروه ۱ تا ۵ میلیونی، تراکم نیز پایین است (کمتر از ۱۰ نفر در کیلومتر مربع) تمام اینها را می‌توان در جدول کوچک زیر خلاصه نمود:

توزیع کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی: میزان و تراکم جمعیت

میزان جمعیت به میلیون نفر				تراکم جمعیت (نفر در کیلومتر مربع)
کمتر از ۱	۱-۵	۵-۱۰	۱۰ یا بیشتر	
۳	۱	-	۲	۱۰۰ نفر یا بیشتر
۲	۲	۱	(۶)	۴۰ تا ۱۰۰ نفر
۲	۲	(۶)	۲	۱۰ تا ۴۰ نفر
۳	(۵)	۳	۲	کمتر از ۱۰ نفر

توجه: برانتز علامت بیشترین مقادیر در هر سطر یا ستون و یا سطر و ستون است.

چنان که مشاهده می شود، ۳ سلول تراکم وجود دارد که در برانتز قرار گرفته است، و با مشاهدات قسمت (پاراگراف) قبلی تطبیق می نماید. بقیه کشورها به طور نسبتاً متعادلی در جدول توزیع شده اند. این امر دست کم به آن معنی است که بین میزان جمعیت و تراکم جمعیت ارتباط و همبستگی وجود دارد. چنین مشاهداتی در جارجوب یک سری زمانی و در مورد یک کشور با یک منطقه چیز تازه ای نیست، اما در مجموعی از کشورهای متفاوت و دارای خصوصیات بومیای جمعیتی مانند کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی که از شمال به جنوب و از شرق به غرب کشیده شده اند، باید به عنوان رویداد جالبی مورد توجه قرار گیرد.

رشد جمعیت

از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۵ رشد سالانه کل جمعیت کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به طور متوسط ۲/۵ درصد برآورد شده است. همچنین نرخ خام تولد در ۴۴ کشور مورد بحث به طور متوسط سالی ۴٪ تخمین زده شده است و نرخ خام مرگ و میر ۱/۴ درصد جالب است بدانیم که این سه میزان رشد نه تنها نسبت به میانگینهای جهانی بالا هستند بلکه از میانگینهای هر یک از کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به جز ۴ یا ۵ کشور نیز بالاترند.

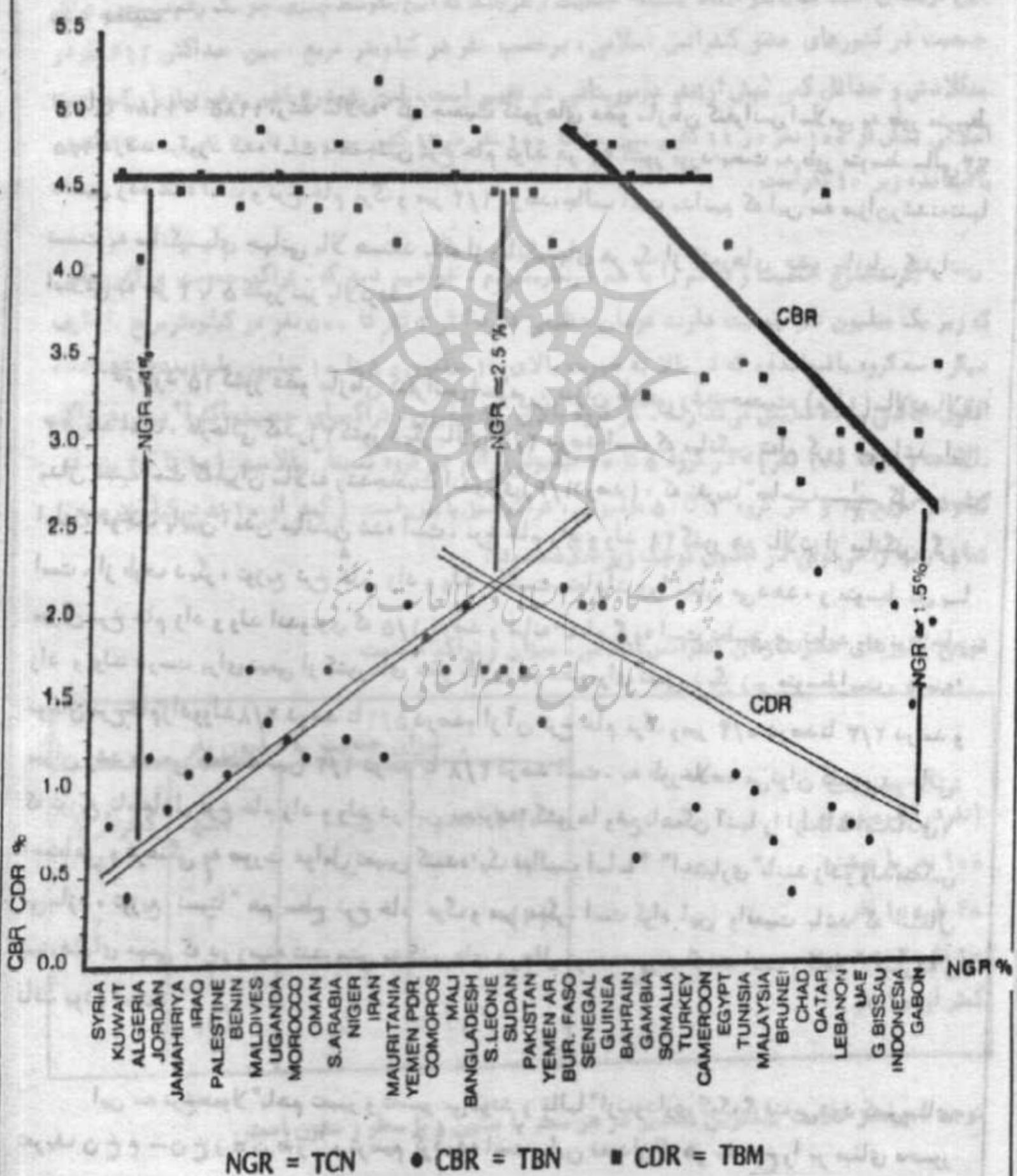
در مورد ۱۵ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی، میزان طبیعی رشد جمعیت (م طر) سالانه بالای ۴ درصد است. در حالی که در ۳۱ کشور دیگر بالای ۲/۵ درصد است که میانگین تمام گروه می باشد. این بدان سبب است که میزان سالانه رشد جمعیت این گروه (۱/۴ درصد) که تقریباً صاحب $\frac{1}{3}$ کل جمعیت است، موجب پایین آمدن میانگین شده است. نرخ خام زاد و ولد ۳۱ کشور هم بالاتر از میانگین گروه است. از طرف دیگر، توزیع نرخ خام زاد و ولد حالت متعادلتری را نشان می دهد، و متوسط کل با میزان نرخ خام زاد و ولد کشورهای دیگر در این گروه تطبیق می نماید. و نرخ خام زاد و ولد مرتب برای نیمی از کشورهای عضو بالای متوسط برای نیمی دیگر زیر متوسط است. دامنه نوسان نرخ خام زاد و ولد ۲/۵ درصد تا ۱/۴ درصد است. نرخ خام مرگ و میر ۵/۴ درصد تا ۲/۳ درصد و میزان رشد طبیعی جمعیت بین ۱/۴ درصد تا ۴/۸ درصد است. به طور خلاصه می توان گفت، در حالی که توزیع نامتعادل نرخ خام زاد و ولد در این مجموعه کشورهای وضع ناهمگن آنها را از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به صورت عوامل تعیین کننده یک فعالیت اساساً "اختیاری" مانند زاد و ولد منعکس می سازد، توزیع نسبتاً هم سطح نرخ خام مرگ و میر ممکن است گواهی این واقعیت باشد که انتقال پیشرفتهای مهمی که در زمینه تشریحی به کشورهای در حال توسعه صورت گرفته است، کاملاً گسترده و نافذ بوده است.

این سه نرخ معمولاً با هم عمیق و تغیر می شوند و غالباً از نموداری کمک گرفته می شود که بر مبنای تعریف $n_x - n_x = n_x$ ترسیم گردیده است. این نمودار که هر سه نرخ را بر مبنای محور

1. $NGR = CBR - CDR$

عمودی نشان می دهد قدری دشوار به نظر می آید.

در نمودار، کشورها برحسب مرتبه نزولی از لحاظ نرخ رشد طبیعی در امتداد محور افقی نوشته شده اند. به بیان دیگر، کشورهایی که نرخ رشد طبیعی بالاتری دارند در سمت چپ و آنهایی که نرخ رشد طبیعی پایین تری دارند در سمت راست قرار گرفته اند. نقطه های بالا مقادیر نرخ خام زاد و ولد و نقطه های پایین مقادیر نرخ خام مرگ و میر را نشان می دهد و مقادیر نرخ رشد طبیعی متقارن به صورت فاصله عمودی بین نقاط مربوط تعیین می شود.



هرچند پراکندگی نقطه‌ها به سمت چپ نمودار وضع نسبتاً ناروشنی دارد. نتایجی چند قابل استخراج است. نخست اینکه، به روشنی دیده می‌شود که گروه مقادیر نرخ خام زاد و ولد در $\frac{2}{3}$ نمودار دوروبر $\frac{4}{5}$ درصد حساب شده است و در بقیه آن در اطراف $\frac{3}{2}$ درصد. اولین مجموعه نقاط را می‌توان به راحتی در امتداد یک خط افقی نشان داد. در حالی که دومین مجموعه روی خط شیب‌داری قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، در کشورهای که میزان رشد جمعیت پایینی دارند، میزان خام مرگ و میر پایین می‌رود. معنای این امر آن است که کشورهای که میزان رشد جمعیت آنها خیلی بالا یا خیلی پایین است نرخ خام مرگ و میر پایینی دارند. ثالثاً، در کشورهای که ساخت جمعیتی جوانتری دارند باید در قسمتهای وسط نمودار قرار گرفته باشند که نرخ خام زاد و ولد و نرخ خام مرگ و میر بالاست و نه در سمت چپ نمودار که نرخ رشد طبیعی در بالاترین حد خود قرار دارد. همان طور که در بخش قبلی گفته شد، در عمل نیز همین وضع رخ می‌دهد. کشورهای که در وسط قرار دارند بالاترین ارقام مربوط به جمعیت گروه سنی صفر تا چهارده (۱۴-۰) سال را در بردارند.

امید به زندگی به گاه تولد و میزان مرگ و میر نوزادان

از لحاظ وجود اطلاعات، تنها شاخصی که می‌توان بر مبنای آن بر حسب زن و مرد طبقه بندی‌هایی انجام داد، امید به زندگی به گاه تولد است. به عبارت دیگر، حتی برای مردمی که اطلاعات کامل و گسترده‌ای وجود ندارد، مطالعات و مشاهداتی دربارهٔ تنها ۲۲ کشور موجود است. در صورتی که اطلاعات مربوط به امید زندگی به گاه تولد برای تمام جمعیت گروه سنی صفر تا ۱۴ ساله در اختیار است. میانگین امید به زندگی به گاه تولد در این ۲۲ کشور ۵۲/۸ سال است. در حالی که اطلاعات به دست آمده از ۲۱ کشور، متوسط امید به زندگی را برای مردان ۵۲/۱ و برای زنان ۵۳/۶ سال به دست می‌دهد. در مورد تک تک کشورها در مورد مقایسهٔ این دو عدد، مردان چیزی نمی‌توان گفت، و چون پوشش اطلاعات نسبتاً ناکافی است، ممکن است خیلی زود به نتایج گمراه کننده‌ای برسیم.

روزنامه‌های علمی و مطالعات علمی

رتال جامع علوم انسانی

حال اگر به وضعیت کل جمعیت نوزادان، می‌توان نتایج حسی را استخراج کرد. در تمام جمعیت در ۱۸ کشور امید به زندگی به گاه تولد از ۵۲/۸ سال که متوسط کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی است بالاتر و در ۲۲ کشور پایین تر از آن است. بالاترین سطح امید به زندگی ۷۰/۴ سال و متعلق به کویت است و پایین ترین آن ۴۰/۸ سال و از آن چاد است. ۱۵ کشوری که در بخشهای قبلی از آن سخن گفتیم که جوانترین ترکیب جمعیت، و بالاترین نرخ خام زاد و ولد و میر را دارند، همه در گروهی قرار می‌گیرند که رقم امید به زندگی آن از متوسط کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی پایین تر است (از ۴۰ کشور). طبق ارقام سال ۱۹۸۰، در ۱۰ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی، امید به زندگی هر فرد به گاه تولد عملاً زیر ۴۴ سال است. در ۱۰ کشور دیگر بالای ۴۴ سال و اکثراً ۵۰ سال است. بالاخره، در ۱۲ کشور عضو کنفرانس اسلامی این رقم بین ۵۰ و ۶۰ سال و فقط در ۸ کشور بالای ۶۰ سال است.

از طرف دیگر، میزان مرگ و میر نوزادان در ۴۲ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی در دورهٔ زمانی



۱۹۸۵ تا ۱۹۸۷، ۱۰۷ است (در هزارنوزاد زنده به دنیا آمده). در مورد هریک از این کشورها، دامنه تغییر ارقام زیاد است و از ۲۰ که متعلق به دارالسلام برونشی است تا ۲۰۳ که از آن بارکینا فاسو است در نوسان است. تنها ۹ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی هستند که میزان مرگ و میر نوزادان آنها از متوسط جهانی پایین تر است.

بدیهی است که اگر چنین متوسط امید به زندگی پایینی به گاه تولد و میزان بالای متوسط مرگ و میر نوزادان هریک به تنهایی علامت خطر است، وجود توأم این دو عامل تصویر امر را تیره تر می سازد. در واقع، معمولاً در کشورهایی که امید به زندگی به گاه تولد پایین است، میزان مرگ و میر نوزادان نیز بالاست. به بیان دیگر، کودکانی که به دنیا می آیند و اولین سال زندگی خود را پشت سر می گذارند شانس زندگی طولانی ندارند. بزرگترین زنگ خطر در این رابطه آنجاست که گروه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی جامعه‌ای را تشکیل می دهند که امید به زندگی به گاه تولد در نیمی از اعضای آن، ۵۰ سال یا کمتر است، و تنها در ۹ کشور، میزان مرگ و میر نوزادان از متوسط جهانی بیشتر است. و بویژه، در ۵ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی (همه از غرب آفریقا) که میزان مرگ و میر نوزادان ۱۵۰ یا بیشتر در برابر ۱۰۰۰ نفر نوزاد زنده به دنیا آمده است، امید به زندگی ۴۵ سال و زیر ۴۵ سال است.

توزیع سنی و ضریب تکفل

در بخشهای قبلی به اهمیت این شاخص در موضوع مورد بحث اشاره کردیم. هر چند اطلاعات موجود اجازه ارزیابی موقتی را نمی دهد، مطالعات مقطعی ۴۳ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی که برای سال ۱۹۸۵ در اختیار است حکایت از آن دارد که ۴۲/۹ درصد کل جمعیت زیر سن ۱۵ سال است، ۵۳/۹ درصد آن بین ۱۵ و ۶۴ سال و ۳/۲ درصد بقیه، ۶۵ ساله و بالاتر از آن است. به این ترتیب، در این گروه، ضریب تکفل، که عبارت است از نسبت جمعیتی که خارج از گروه سنی ۱۵ تا ۶۴ سال قرار دارد به جمعیت این گروه ضرب در ۱۰۰۰، ۸۶ بود. از سوی دیگر اطلاعات و ارقام مربوط به تک تک این کشورها تغییرات وسیعی را نشان می دهد. جدول زیر بعضی از یافته‌ها را خلاصه می نماید:

ترکیب سنی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (کسکا)

گروههای سنی	حداکثر (%)	حداقل (%)	متوسط کسکا (%)	بالای متوسط کسکا (%)	زیر متوسط کسکا (%)
۰ - ۱۴	۴۷/۶	۳۰/۳	۴۲/۹	۲۹	۱۴
۱۵ - ۶۴	۶۷/۴	۴۹/۱	۵۳/۹	۱۴	۲۹
۶۵+	۶	۱/۶	۳/۲	۱۷	۲۶
ضریب تکفل	۱۰۳/۶	۴۸/۴	۸۶	۲۹	۱۴

مهمترین یافته این جدول ماهیتا " شبه یافته‌های مختلف دیگر در بخشهای بالاست . هر چند ضریب تکفل گروه که ۸۶ است رقمی کاملا " بالاست ، با این همه ۲۹ کشور رقمی بالاتر از آن دارند . این عدد دو برابر عدد کشورهای است که زیر متوسط کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی قرار دارند . در جدول بالادقیقا " همان توزیع کشورها در امتداد خطی که حرف گروه (۵) تا ۱۴ سال است صدق می‌کند . و این باز هم شاخص آشکار دیگری است که بارزترین جنبه جمعیتی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی جمعیت اکثرا " جوانی دارد .

جمعیت شهری

ارتباط دادن ضریب یا نسبت جمعیت شهری با هر یک از شاخصهای دیگر مربوط به جمعیت نسبتا " مشکل است . یک چنین ارتباطی ممکن است آن باشد که افزایش این نسبت ، به طور غیر مستقیم ، باید به کاهش میزان مرگ و میر نوزادان ، افزایش امید زندگی به گاه تولد و کاهش میزان طبیعی رشد بینجامد . البته به دلیل محدودیت اطلاعات ، یعنی فقدان سریهای - زمانی که معنای تجزیه و تحلیلی بویا قرار گیرد ، عدم امکان قرار دادن موقت کشورها در برابر هم و به سبب تفاوتیهای اجتماعی موجود ، نمودن هیچ یک از این رابطه‌ها مبسر نشد .

به علاوه ، اثرات متقابل مهاجرت داخلی در برابر مهاجرتی و پیمانه‌های آن از محدوده " این مقاله بسی فراتر می‌رود . با وجود این ، اطلاعات موجود سال ۱۹۸۵ امکان می‌دهد تا به اصلیتترین رقم آمار جمعیت شهری یعنی نسبت جمعیت شهری نظری به یکم .

در سال ۱۹۸۵ ، نزدیک به ۳۱٪ کل جمعیت کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در مناطقی زندگی می‌کردند که مناطق شهری شناخته شده بودند . پیش‌بینی می‌شود که این نسبت تا سال ۲۰۰۰ به ۴۴٪ برسد . اگر کل جمعیت ۱۹۸۵ و جمعیت پیش‌بینی شده " سال ۲۰۰۰ را به یاد بیاوریم ، به این نتیجه خواهیم رسید که جمعیت شهری کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی ۱۴٪ افزایش خواهد یافت و از مرز ۵۰۰ میلیون نفر خواهد گذشت . باز هم در ۱۹۸۵ ، ۱۳ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی بودند که بیش از نصف جمعیت آنها در شهرها می‌زیستند . پیش‌بینی می‌شود که این عدد تا سال ۲۰۰۰ به ۲۱٪ برسد . به علاوه ، ۳ کشور بودند که ۱۰٪ یا کمتر از ۱۰٪ جمعیت آنها شهرنشین بودند . پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۰۰ هیچ یک از آن کشورها چنین وضعیتی نداشته باشند . هم اکنون ۲ کشورند که نسبت جمعیت شهری آنها بالای ۸۰٪ است ، در حالی که تا سال ۲۰۰۰ ، ۵ کشور در چنین موقعیتی خواهند بود . سریعترین تغییرات در بین شمالی ، عمان ، اوگاندا و بنگلادش پیش خواهد آمد و نسبت جمعیت شهری آنها بیش از دو برابر خواهد شد . در کشورهای نظیر بحرین ، قطر ، و کویت ، که این نسبت هم اکنون به دلیل خصوصیات ویژه " این کشورها خیلی بالاست ، مقدار کمی افزایش خواهد یافت . در خاتمه ، کافی است بگوییم که ، با شاخصی مانند نسبت جمعیت شهری که تفاوت آن از کشوری به کشور دیگر در درون

کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی خیلی زیاد است. احتیاج به مطالعات تفصیلی است و ثمرات آینده، چنین مطالعاتی قابل توجه خواهد بود.

خلاصه یافته‌ها

یافته‌های تحقیقاتی بالاروشن است و می‌توان با اطمینان از آنها سخن گفت. کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، نه فقط به تنهایی بلکه به عنوان یک گروه، دچار مرگ و میر زیاد نوزادان، امید به زندگی پایین به گاه تولد، میزان بالای نرخ خام مرگ و میر و تراکم زیاد جمعیت هستند. به رغم همه اینها، میزان رشد جمعیت آنها زیاد است و علت عمده این امر زیاد بودن نرخ خام زاد و ولد و ترکیب سنی خیلی جوان آنهاست. به علاوه، معکوس شدن این روندها در آینده، با توجه به اینکه دوره‌های خیلی طولانی لازم است تا شاخصهای جمعیتی خود را به نحوی تثبیت نمایند که در اکثر کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به تحقق جمعیت ثابت کمک کند. چندان روشن نیست. و این به رغم آن است که بین رسیدن به چنین وضعیتی (وضیعت تثبیت جمعیت) و حل مسائل ناشی از سطح کنونی این شاخصهای اساسی، رابطه مستقیمی وجود ندارد. و این امر هنگامی که رشد جمعیت مسئله آفرین کنونی، فوه، محرکه خود را از دست می‌دهد نیز صادق است.

کلام آخری است که از لحاظ آماری در اینجا قابل طرح است. این واقعیت که اکثر شاخصهای اساسی جمعیت وابستگی متقابل قابل ملاحظه‌ای دارند، ممکن است برای جمعیت‌شناسی بدیهی و بی‌اهمیت به نظر برسد، اما برای محققان که می‌کوشند تا اطلاعات و ارقام را به قصد استخراج نتیجه تغییر و تحلیل نمایند و نتایج را در سیاست اجتماعی - اقتصادی به کار برند، زیاد اهمیت دارد. از این روی، به سبب این وابستگی متقابل، می‌توان مقدار تقریبی یک شاخص را از روی بقیه شاخصهای در دست، به سادگی دریافت. این یک "کشف" است که زندگی را بویژه برای دانشجویان اقتصادهای در حال توسعه، مانند کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، که در هر قدم با مشکلات سرسام‌آور اطلاعات و ارقام رو به رو هستند آسانتر خواهد ساخت.

□